

نقش حجاب بر کاهش میزان انحرافات اجتماعی - روانی زنان از منظر اسلام^۱

فرزانه اله ویردی^۲

چکیده

حجاب از مهم ترین مسائل مورد توجه ادیان توحیدی به ویژه دین مبین اسلام است و نقش بسیاری در کاهش میزان انحرافات اجتماعی-روانی دارد. مسأله بدحجابی به عنوان آسیبی اجتماعی در سطح جامعه مطرح است و اصلاح و ترمیم آن، نیازمند مهندسی فرهنگی و اتخاذ سیاست های فرهنگی و اجتماعی است. این مقاله به بررسی نقش حجاب بر کاهش انحرافات اجتماعی - روانی زنان اختصاص یافته است. برای پاسخ گویی به پرسش اصلی پژوهش، با روش تحقیق کتابخانه ای، منابع مکتوب مربوط به موضوع حجاب مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که از منظر اسلام، پوشش مناسب، آثار و پیامدهای مثبت بسیاری برای فرد و جامعه به همراه دارد. داشتن حجاب هم بر سلامت اخلاقی جامعه و هم بر پاکي و طهارت و ارتقای شخصیت زن تأثیرگذار است. حجاب، نه تنها مانع آزادی زن نیست، بلکه به او نقش دفاعی در برابر آسیب های فردی و اجتماعی می بخشد. همچنین گسترش بی حجابی و بی عفتی در جامعه موجب از هم پاشیدگی خانواده ها، رواج بی بند و باری، تنزل جایگاه زنان و به وجود آمدن بیماری های روحی و روانی در جامعه می شود. نتیجه آن که اگر خانواده ها بر حفظ حجاب اهتمام ورزند و به آن توجه کنند، میزان انحرافات اجتماعی - روانی کاهش خواهد یافت.

واژه های کلیدی: حجاب، اسلام، انحرافات اجتماعی، انحرافات روانی، زنان.

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۸

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان استان زنجان، پردیس الزهراء Allahverdi1347@gmail.com

مقدمه

مسأله حجاب علاوه بر این که از مهم ترین احکام الهی آیین مقدس اسلام است، از موضوعات ضروری و کلیدی جامعه نیز به شمار می آید و با بسیاری از مسائل پیوند خورده و دارای ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. این مسأله از آن جهت که خطابش با زنان است، نیمی از جمعیت جامعه را در بر می گیرد و از آن جهت که در تنظیم روابط زن و مرد نقش دارد به همه افراد جامعه مربوط می شود. خداوند به زنان دستور می دهد که در پوشش، رفتار و گفتار خود با نامحرمان، حدودی را رعایت کنند که البته این حکم الهی در ادیان مختلف مطرح شده است و در طول تاریخ مورد پذیرش همگان قرار نگرفته است و برخی نیز به مخالفت با آن پرداخته اند.

از آن جا که بشر اهمیت بسیاری برای سلامت خود قائل است، به سلامت جامعه نیز ارزش می نهد؛ چرا که بیماری جامعه را بیماری خود می داند. او هم چنان که تلاش می کند برای حفظ و تأمین سلامت خود از بسیاری از امور بپرهیزد و یا از واکسن های پیشگیری و داروهای گوناگون استفاده کند، برای سلامت جامعه هم باید نهایت سعی و کوشش خود را بکار گیرد و جامعه را از مبتلا شدن به بیماری های اخلاقی و روانی حفظ کند تا در سایه ی چنین جامعه ی سالمی، افراد بتوانند به رشد، تعالی و سعادت برسند (خندق آبادی، بی تا، ص ۱۹) فرهنگ هر جامعه ای از جنبه های گوناگونی تشکیل می شود؛ جنبه های هنجاری فرهنگ جامعه شامل ارزش ها و قواعد خاص رفتاری است. هنجارها نشان می دهند که چه چیزی ارزش و چه چیزی ضد ارزش است، مانند شیوه های پوشش که برگرفته از فرهنگ آن جامعه هستند. تلقی بد از بدحجابی، باور به ارزشی بودن حجاب و پوشش و قضاوت درست درباره حجاب در زندگی اجتماعی و فرهنگی تأثیر بسزایی می گذارد.

حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب (مطهری، ج ۱۹، ص ۴۳۰). از فواید تشریح حکم حجاب، آرامش روانی، استحکام پیوند خانوادگی، استواری اجتماع و ارزش و احترام زن است، اما از عواملی که باعث پذیرش فرهنگ بی حجابی می شود، می توان به جهل و ناآگاهی، علل سیاسی، دوستان ناباب، لقمه حرام و ... اشاره کرد. از

پیامدهای ناگوار بدحجابی بر اجتماع، طلاق و تهدید خانواده، گرایش مردان به چند همسری و ... است (مهریزی، ۱۳۷۹، ص ۲۴). با توجه به مطالبیادشده، این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که به چه میزان حجاب موجب کاهش انحراف های اجتماعی-روانی می شود؟ و بدحجابی چه آثاری برای فرد و جامعه دارد؟ همچنین داشتن حجاب چه فواید و آثار مثبتی برای فرد و جامعه دارد؟

۱. پیشینه و مبانی نظری

حجاب به معنای ستر و پوشش بیرونی و عفاف به معنای پوشش درونی است. این دو عامل در کنار هم باعث سلامت جامعه می شوند و در صورت عدم رعایت آن ها مشکلات و آثار مخرب زیادی در جامعه ایجاد می شود. حجاب اسلامی یکی از نشانه های زن مسلمان است و اهمیت آن به حدی است که از مصادیق معروف و جزو شعائر اسلامی قرار گرفته است. پوشش و حجاب پدیده ای چند بعدی است؛ از یک سو مقوله ای اخلاقی، دینی و معرفتی و از سوی دیگر پدیده ای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... به شمار می آید. ابعاد مختلف این پدیده به گونه ای در هم تنیده شده است که نمی توان تنها در خصوص ابعاد و آثار اجتماعی آن به تحقیق پرداخت و ابعاد باطنی یعنی مبانی اعتقادی و ایدئولوژی را نادیده گرفت. آن چه موجب احساس نیاز به مطالعه و تحقیق در این باره شده، گسترش روزافزون بدحجابی و آثار مخرب آن در جامعه است. مسأله حجاب در چهارچوب دفاع از حقوق زن، سال هاست که در کشورهای اروپایی و به دنبال آن در کشورهای اسلامی، مطرح شده است. سابقه ی این مباحث در کشور ما به صورت محدود، به سه چهار دهه ی پیش از مشروطه، به ویژه دوره ی سلطنت رضاخان پهلوی (۱۳۰۵-۱۳۲۰ش) باز می گردد. در آن زمان در برابر تبلیغات بی حجابی، علمای دین دست به تالیف مقالات، رساله ها و کتاب های متعدد در ایران و عراق زدند که رسول جعفریان در کتابی با عنوان «رسائل حجابیه» در دو جلد ۱۴۵۰ صفحه ای به ۳۳ مقاله ی مهم اشاره کرده اند. همچنین چهار کتاب شناسی مهم درباره موضوع حجاب به چاپ رسیده است که از جمله ی آن ها می توان «کتابنامه ی حجاب و لباس» را نام برد که توسط سازمان تبلیغات

اسلامی در سال ۱۳۷۰ در چهل صفحه چاپ شده و شامل ۱۰۸ کتاب و مقاله است، دومین کتاب شناسی حجاب در مجله‌ی «پیام زن» شماره ۸ به چاپ رسیده که از ۱۴۸ کتاب یاد کرده است، سومین کتاب شناسی توسط آیت الله رضا استادی گردآوری شده است که به ۴۰ کتاب و ۲۰ مقاله اشاره دارد و چهارمین کتاب شناسی که جامع‌تر از بقیه است توسط رسول جعفریان نگاشته شده است که در آن از ۱۷۷ مقاله و کتاب یاد کرده است.

این واژه در لغت به معنی پوشیدن، پرده و حاجب آمده است و بیشتر در معنای پرده به کار رفته است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده و وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۴۳۰). قرآن کریم در داستان حضرت سلیمان علیه السلام، غروب خورشید را این طور توصیف می‌کند: «حتی توارت بالحجاب: (ص: ۳۲)؛ یعنی تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد».

۲. فلسفه حجاب

از آنجا که خداوند، خالق و دانای مطلق است، هیچ قانونی را بدون حکمت وضع نکرده است. زنان به سبب نوع خلقت و زیبایی‌های ظاهری که دارند، همواره در معرض آزار و اذیت‌های انسان‌های شهوت‌ران و بی‌بند و بار هستند، بنابراین حکم حجاب و پوشیدگی در ظاهر، رفتار و گفتار برای آنان مصالح متعددی دارد که به بیان برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

۱.۲. آرامش روان

تحقیقات روانشناسی نشان داده است که پوشیدگی زنان ریشه‌ای روانی دارد و برای رشد و بلوغ روانی آنان ضروری است. برخی محققان برآنند که که صرف نظر از فرهنگ، دین یا محیط اجتماعی، پوشیدگی زنان ریشه‌ای عمیق در روان آدمی دارد و بسیار بیش از آن که در سلامت اخلاقی دیگران مؤثر باشد، با فطرت زنان هماهنگ است و برای بلوغ روانی و تعیین هویت کامل انسانی آنان ضروری است (هدایت‌خواه، ۱۳۸۸، ص ۶۶).

امروز می‌توان گفت که علت بسیاری از بیماری‌های روانی که در دنیای غرب به وجود آمده، آزادی جنسی و تحرکات فراوان است. نبود حریم میان زن و مرد و بی‌بند و باری، هیجان‌ها را فزونی می‌بخشد و پیامد آن، بیماری‌های روانی است (شریف موسوی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۶). از جمله این بیماری‌ها، قساوت است که بی‌حجابی زن، عامل مهمی در ایجاد آن است؛ چرا که جلوه‌ی بی‌پرده‌ی زن در برابر مرد در دنیای امروز با عنوان تمدن و تجدد در زندگی، چنان آتشی در اجتماعات بشری افروخته است که به این آسانی خاموش نخواهد شد. مراد اصلی آیه‌ی «و من شر النفاتات فی العقد» (فلق: ۴)؛ زنانی هستند که مردان را تحت تأثیر جمال، رفتار و گفتار تحریک‌آمیز خود قرار می‌دهند و آنان را تسلیم هوای نفس خود می‌کنند؛ جلوه‌ی زن است که عقده‌ی ایمان را از دل انسان می‌گشاید و رشته‌ی جمعیت و مردانگی را پاره می‌کند، عزم و اراده‌ی تصمیم را از دست می‌گیرد و یک حالت بی‌قیدی و بی‌بند و باری در آدمی ایجاد می‌کند. از این رو اگر علل و موجبات برخی جنایات را در عالم بشکافیم، می‌بینیم پای زن در میان بوده است (ضیاء آبادی، ۱۳۷۰، ص ۷۶-۷۲). پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «ما ترکت بعدی فتنه اضر علی الرجال من النساء» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، باب ۱۱۷، حدیث ۱۵)؛ خطرناک‌ترین فتنه برای امتم بعد از من، فتنه‌ی زنان خواهد بود.

۲.۲. استحکام پیوند زندگی

یکی از دلایل وجوب حفظ نگاه در مردان و زنان، لزوم پوشش بر زن و ممنوع بودن دل‌ربایی و جلوه‌گری زن در اسلام، جلوگیری از تحریک، تهییج و التهاب‌گریزه‌ی بسیار نیرومند جنسی در راه حرام است؛ زیرا پوشش و ایجاد حریم بین دو جنس مخالف از ایجاد این هیجان‌های جنسی کاسته و از طوفانی شدن این غرایز و تبدیل شدن آن‌ها به یک عطش روحی اشباع‌ناپذیر و خطر آفرین، جلوگیری می‌کند (محمدی‌آشنایی، ۳۸۹، ص ۴۳). سیراب کردن این عطش برای زنان و مردان در خارج از کانون خانواده سبب رواج خیانت و سست شدن بنیان اعتماد در خانواده می‌شود؛ بنابراین رعایت حجاب و عفاف می‌تواند مقدمه ابتلا به این گناهان را تا حد چشمگیری کاهش دهد و از بروز فساد در میان خانواده‌ها و جامعه جلوگیری کند. شکی

نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین شود، برای کانون خانواده مفید است.

۳.۲. استواری اجتماع

یکی از مسائل مورد بحث درباره‌ی زنان، مسأله کار و فعالیت اجتماعی آنان است. گسترش تعلقات جنسی حرام در یک جامعه، نیروی کار و فعالیت آن را ضعیف می‌کند. روشن است که پوشش و حجاب مانع فعالیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زن نمی‌شود و آنچه موجب فلج شدن نیروی اجتماع است، آلوده کردن محیط کار به لذت جویی‌های شهوانی است (افتخاری، بی‌تا، ص ۴۸). عدم رعایت حجاب و عفاف، جامعه را به انحطاط می‌کشاند و آن را از مسیر پیشرفت منحرف می‌کند.

۴.۲. حفظ ارزش و احترام زن

اسلام تأکید کرده است که زن هر اندازه باوقارتر رفتار کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد، بر احترامش افزوده می‌شود. زنانی که حجاب و عفاف خود را حفظ می‌کنند و در مواجه شدن با مردان حدود پوشش، رفتار و گفتار خود را رعایت می‌کنند، کمتر در معرض آزار هوسرانان قرار می‌گیرند و دیگران با مشاهده متانت آنان از تعرض به حریمشان چشم‌پوشی می‌کنند؛ چراکه می‌دانند پاسخ این‌گونه زنان به مطالبات گناه‌آلود آنان منفی است.

۵.۲. خصلت انسانی

یکی از فلسفه‌های اصلی پوشش آدمی، خصلت انسانی اوست. شریعت اسلامی نیز دفاع از پوشش را بر پایه همین خصلت قرار داده است (مهریزی، ۱۳۸۷، ص ۴۱). آدمی در فطرت پاک خود به پوشش گرایش دارد و نسبت به هرزگی و بی‌پند باری اکراه دارد؛ حال آنکه بی‌حجابی و بی‌عفتی نتیجه‌ای جز این‌ها ندارد.

۳. علل پذیرش فرهنگ بی‌حجابی

امروز شاهد پدیده‌ی بی‌حجابی در سطح جامعه هستیم و برخی زنان گویا در ماراتن بی‌حجابی شرکت کرده و می‌خواهند گوی سبقت را از دیگری ببرایند، حال آنکه نمی‌دانند این پیروزی در این میدان به معنای واقعی شکست است. در اینجا مناسب است به بررسی عوامل پذیرش فرهنگ بی‌حجابی در جامعه پرداخته شود.

۱.۳. جهل و ناآگاهی

یکی از عوامل اصلی در عدم پذیرش حجاب، ضعف اعتقادی و دینی است. تا زمانی که دین و احکام آن به درستی برای جوانان ما تفهیم نشود و این فهم درست با اعتقاد قلبی آنان پیوند نخورد، زمینه پذیرش فرهنگ بی‌حجابی برای آنان مهیاست. به جرأت می‌توان گفت اصلی‌ترین علت بدحجابی و سایر مفاسد، جهل و نادانی است؛ مانند جهل به خدا، دین و فلسفه احکام آن، ارزش‌ها و استعدادهای ذاتی خود. کسی که خود را نشناسد، به هر شری تن می‌دهد. همین نادانی‌ها موجبات بدحجابی را فراهم می‌آورد. خانواده‌ها و مادرانی که در قید و بند حجاب و سایر مسائل شرعی نبوده‌اند، نمی‌توانند حجاب را به عنوان یک ارزش و یک واجب الهی به فرزندان خود آموزش دهند؛ از این رو فرزندان را با همان فرهنگی که خود گرفتار آن بوده‌اند، تربیت می‌کنند. بنابراین ریشه‌ی بسیاری از بدحجابی‌ها و بی‌بند و باری‌های دختران جوان امروز را در محرومیت آنان از تربیت صحیح دینی باید جستجو کرد. قرآن کریم می‌فرماید: «قوا انفسکم و اهلیکم ناراً» (تحریم: ۶)؛ خود و خانواده خود را از آتش جهنم محافظت کنید. بدیهی است محافظت از جهنم جز با تربیت صحیح ممکن نیست. البته پدر و مادرانی هم یافت می‌شوند که خود نسبت به نماز و حجاب و سایر واجبات مقیدند، ولی نسبت به فرزندان‌شان و تربیت صحیح آنان غافل و ناآگاهند و همین بی‌توجهی سبب انحراف فرزندان و مایه رنج روحی والدین می‌شود (رزاقی، ۱۳۶۹، ص ۱۱۶).

۲.۳. علل سیاسی

امروز تهاجم فرهنگی ابعاد بسیار متنوع، پیچیده و سازمان یافته ای را به خود گرفته است که گسترش بدحجابی و حتی بی حجابی مصداق بارز آن است تا حریم بین مرد و زن شکسته شود و اراده ی ملت برای اقدام به کارهای مهم تضعیف شود (مؤسسه فرهنگی قدر، ۱۳۸۰، ص ۱۴). بدون تردید تعداد زیادی از مصداقیق بدحجابی و سایر جلوه های فحشا و منکرات، جنبه سیاسی دارد، یعنی دشمنان برای مبارزه با نظام و ارزش های حاکم بر آن، عده ای را برای گسترش بی بند و باری و فحشا در جامعه به کار گرفته اند. این افراد با فعالیت های خود، زمینه های عمده و اصلی بدحجابی و بی بند و باری را برای سایرین فراهم می کنند.

۳.۳. غلبه روحیه راحت طلبی و فرار از مسئولیت

برخی افراد راحت طلب و بی توجه به حلالو حرام الهی، اعم از مرد و زن، از اطاعت مقررات شرعی و قبول محدودیت های دینی فرار می کنند و عمل به آن ها را سخت می دانند. آنان با بهانه ها و توجیه های مختلف از مسئولیت های شرعی و رعایت احکام دین، شانه خالی می کنند و معتقدند حجاب و یا هر واجب دیگری ما را به زحمت می اندازد و برای ما سخت است که آن را رعایت کنیم (میرغفوری، ۱۳۷۳ش، ص ۹۴). در پاسخ به این گونه افراد چند نکته شایان توجه است:

- ۱- انسان فقط تحت تربیت ویژه می تواند از سطح زندگی حیوانی به زندگی انسانی ترقی کند.
- ۲- محدودیت لازمه هر نوع تربیتی است. بی قیدترین و ناآگاه ترین مردم نیز اصل لزوم محدودیت و رعایت دستورالعمل ها در تربیت را قبول دارند.
- ۳- راحت طلبی و شانه خالی کردن از احکام الهی، راحتی نمی آورد و فرار از مقررات دینی برای راحتی، خیالی بیش نیست، زیرا اولاً احکام دینی مبتنی بر انسان شناسی دینی است. دین برای سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت مردم آمده است. خداوند این طور اراده کرده است که بشر با اجرای احکام الهی به سعادت واقعی نایل شود. کسی که از یاد او و اجرای دستوراتش سرباز زند، به فشارها و تنگناهای مختلف روحی دچار می شود و

برعکس کسانی که با خدا پیوند دارند و مطیع دستورات او هستند، آرامش و نشاط خاصی دارند که این آرامش همان خواسته‌ی روحشان است. دومین دلیل این است که کسالت و تنبلی در برابر مقررات الهی و ترک واجبات، موجب گرفتاری انسان به خشم الهی و عذاب او می‌شود. کسی که حجاب را برای راحتی کنار می‌گذارد، باید بداند سختی و عذاب طولانی و دردناک در انتظار اوست.

۴.۳. احساس حقارت و کمبود شخصیت

فقر در هر صورتی انسان را به ذلت، گدایی و التماس می‌اندازد؛ چه فقر مادی و چه فقر معنوی. از میان انواع فقرها هیچ فقری به سختی و زشتی فقر روحی و معنوی نیست. کسی که روح و شخصیت‌اش فقیر است، همواره به چیزی بیرون از خود محتاج است. او همیشه گدایی شخصیت می‌کند و به راستی که بدفقری است بدحجابی و بی‌حجابی. زنان بی‌حجاب همواره در اسارت و گدایی نگاه و توجه دیگران هستند. آن مقدار نفعی که از حجاب نصیب خانم‌ها می‌شود به اندازه‌ای است که جز با حجاب کامل حاصل نمی‌شود و نتیجه‌ی رعایت آن، حفظ شخصیت انسانی زنان است (آذری قمی، ۱۳۷۲، ص ۸۴).

۵.۳. دوستان نامناسب و ناباب

علت بدحجابی بعضی از اشخاص، داشتن دوستان نامناسب است. برخی دختران و زنان در ابتدا مقید به حجاب و عفاف بوده‌اند، ولی در اثر بی‌اطلاعی و عدم ایمان قوی تحت تأثیر دوست بدحجاب قرار گرفته‌اند. بدون تردید، بدحجابی از گناهان بزرگ است که در صورت مواجه شدن با شخص بی‌حجاب حتی دوست، باید به او تذکر داد و در صورت عدم همراهی، از هم‌نشینی با وی خودداری نمود. امام حسین علیه السلام می‌فرماید: « مجالسه اهل الدناء شر و مجالسه اهل الفسوق ریه؛ همنشینی با افراد پست ناپسند است و همدمی گناهکاران موجب بدبینی مردم و از دست دادن اعتماد و اعتبار است.

(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۱۲۲)

۴. پیامدهای بدحجابی بر جامعه

گسترش بدحجابی در جامعه موجب گسترش فساد و فحشا در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. جامعه‌ای که در آن زنان به جلوه‌گری پرداخته و مردان به هوس‌رانی و شهوت‌طلبی مشغول‌اند، هرگز نمی‌تواند در مسیر پیشرفت و ترقی قرا بگیرد و همواره در فقر و فساد غوطه‌ور است. در این بخش به بررسی پیامدهای بدحجابی در سطح جامعه می‌پردازیم.

۱.۴. طلاق و تهدید خانواده

از پیامدهای زیان‌بار عدم رعایت عفاف و حجاب، طلاق و جدایی زن و شوهر و از هم پاشیدن نظام خانواده است. طلاق در نظر اسلام مبعوض‌ترین حلال است که تنها در صورت اختلافات حل‌نشده ضرورت پیدا می‌کند. اسلام عزیز به منظور حفظ و تحکیم بنیان خانواده، افزایش صفا و صمیمیت میان همسران و جلوگیری از اختلافات شدید خانواده و فروپاشی آن، تدابیر حکیمانه‌ای اندیشیده است و ایمان، آراستگی به فضایل اخلاقی و انسانی، اصالت خانوادگی و ماندن آن را برای انتخاب همسر شایسته مقرر فرموده و حقوق و وظایفی را برای زوجین مشخص کرده است. برای طلاق نیز شرایطی معین کرده که شامل بعد از آن نیز می‌شود، قوانینی چون رجوع و بازگشت دوباره شوهر به زندگی مشترک و... که همه‌ی این‌ها در جهت حفظ بنای خانواده است (بقره: ۲۲۹)، اما آنچه به اجتماع باز می‌گردد، سلامت و امنیت جامعه از هرگونه اقدامات منافی عفت و حیا است (اصفهانی حائری، ۱۳۴۶ق، ص ۶۴). مهم‌ترین موضوع این بحث، بررسی تأثیر عدم رعایت حجاب و عفاف در فروپاشی خانواده و طلاق است. موضوع طلاق از جهات و عوامل گوناگون قابل بررسی و تبیین است، اما می‌توان بیان کرد که ریشه طلاق به طور عمده، فاصله گرفتن از پوشش خداپسندانه توسط زنان و خودنمایی در پوشش، رفتار و گفتار و در نتیجه آسیب دیدن عفت عمومی و اخلاق فردی و اجتماعی است. برای روشن شدن این بحث جهات و عوامل طلاق با توجه به عدم رعایت عفت عمومی را مورد توجه و بررسی قرار می‌دهیم.

۱.۱.۴. هوس‌مداری در خانواده

طلاق در اثر اختلافات عمیق زن و شوهر تحقق می‌یابد و از خودخواهی و گاه هوسرانی یک یا هر دو طرف، ناشی می‌شود. یکی از عوامل بسیار مؤثر و سازنده در حفظ کیان خانواده، پاسداری از عفت عمومی، سلامت و پاکی جامعه در مقابل غفلت، هوس و ناپاکی‌ها است. هتک حریم حجاب و پوشش عفیفانه، ضعف غیرت در مردان و عفت در دختران و عدم احساس مسئولیت پدران، مادران و شوهران نسبت به این امور، موجب سوق افراد جامعه به سمت هوس‌های نفسانی می‌شود؛ در نتیجه حق محوری جای خود را به هوس‌بازی و خودخواهی خواهد داد و همین امر، عامل بروز اختلافات خانوادگی و در نهایت طلاق خواهد بود.

تاریخ حکایت از آن دارد که عدم رعایت حجاب و عفاف، دامن زنانی خاص و با خانواده را ننگین کرده است؛ زنانی چون میسالین همسر امپراطور رومانی و کلود که معروف به پلیدی، فسق و فجور شد و سرانجام محکوم به قتل شد و مانند سرسیه که از اشخاص اودیسه و ساحره و فتنه‌انداز بود و بین اودسیوس و اصحاب او در اثر فجور و فسق، تفرقه‌سازی کرده و عاقبت به دارالبوار ملحق شد (جعفریان، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۰۰).

۲.۱.۴. چشم‌چرانی و مقایسه با همسر

حضور زنان با ظاهری آراسته و بدن نما در جامعه، زمینه بهانه‌جویی مردان و عیب‌جویی، تحقیر و بی‌احترامی نسبت به زنان خویش را فراهم می‌آورد. مردان هوسران با چشم‌چرانی و مشاهده زیبایی‌های ظاهری زنان بی‌حجاب و مقایسه همسران خویش با این زنان نوعی بی‌رغبتی یا کاهش محبت نسبت به همسران خود پیدا می‌کنند و در نتیجه اختلافات جدی در خانواده ایجاد شده و در نهایت به طلاق و جدایی منجر می‌شود.

۳.۱.۴. شهوت‌طلبی و لذت‌گرایی

ازدواج از یک سو پیوند، اتحاد و مصاحبت جسمی زوجین است و این اتحاد در صورتی محقق می‌شود که دو روح در ابعاد والای انسانی از سنخیت و شباهت برخوردار باشند. آزادی غیر معقول زنان - که آزادی در اسارت هوا و هوس است - شعله‌های هوس و شهوت را در مردان هوسران برمی‌افروزد و لذت‌گرایی را در آنان رشد می‌دهد؛ ازاین رو عده‌ای برای تأمین خواسته‌های

شهوانی بی حد و مرز خود با ترفندها و بهانه‌های گوناگون، همسران خویش را طلاق می‌دهند تا به خودخواهی و شهوت‌های حیوانی خود، پاسخ مثبت بدهند (شیرازی، ۱۳۵۸ش، ص ۲۱).

۴.۱.۴. دوستی‌های نامشروع

حضور تحریک‌آمیز زنان در صحنه‌ی اجتماع باعث ایجاد روحیه‌ی شهوانی در مردان، رواج پدیده‌ی دوستی با جنس مخالف و روابط نامشروع می‌شود؛ به گونه‌ای که علاقه‌ی آن‌ها به همسران خود کاهش پیدا می‌کند و در نتیجه پایه و رکن زندگی خانوادگی، متزلزل می‌شود.

۵.۱.۴. غفلت از معیارهای اصولی در گزینش همسر

خودنمایی دختران سبب انتخاب و گزینش غلط و نادرست در فرایند ازدواج می‌شود. باید توجه داشت که غفلت از معیارهای اصولی و سازنده در انتخاب همسر، مانع واقع‌بینی شده و در نتیجه زوجین پس از ازدواج و گذشت مدت زمانی، متوجه شکست در ازدواج شده و به تدریج میان آنان فاصله می‌افتد و سرانجام زندگی مشترک آن‌ها به طلاق منتهی می‌شود.

۶.۱.۴. فریب خوردن در ازدواج و انتقام جویی

گاهی جوانان مجرد با مشاهده‌ی ظواهر آراسته و آرایش شده زنان بی‌حجاب، فریب خورده و شیفته‌ی آنان می‌شوند. پس از ازدواج و گذشت چند ماه و سال متوجه می‌شوند که همسرشان شایسته‌ی محبوبیت نبوده و در این پیوند زناشویی ناموفق بوده و دچار زیان شده‌اند. در این صورت عشق تبدیل به نفرت و دشمنی می‌شود و درصدد انتقام بر می‌آیند. آنان ضمن تحقیر، سرزنش، عیب جویی و سوءظن به همسران خود، در نهایت آنان را طلاق می‌دهند.

۲.۴. گرایش مردان به چندهمسری

از ویژگی‌های زنان، انحصارطلبی در معشوق و محبوب بودن است و اقتضای یگانه معشوقه بودن زن، آن است که قلب همسرش، کسی جز او را نخواهد و تنها در گرو محبت و عشق او و فرزندانش باشد و هرگز سراغ همسری دیگر نرود؛ اگر چه این میل طبیعی باید تعدیل شود. زندگی تک همسری بهتر و باصفا تر است، مگر در مواقع ضروری و با رعایت شرایطی خاص به ویژه شرایط عدالت که در قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بر آن‌ها تأکید شده است (نساء: ۳).

در بحث ازدواج‌های غیر منطقی و غیر ضروری باید گفت که بی‌تردید علت آن‌ها، هوس‌بازی و شهوت‌رانی است. البته نباید فراموش کرد که در بیش‌تر مواقع، منشأ چنین ازدواج‌هایی جلوه‌گری و پوشش‌های تحریک‌آمیز زنان در جامعه است؛ به عبارتی بدحجابی و خودنمایی زنان با تحریک‌پذیری و ایجاد شهوت و هوس در مردان ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد؛ امکان ندارد تحریک جنسی در جامعه باشد، اما در مردانی که از کنترل چشم و تقوای لازم برخوردار نیستند، هوس و میل به کام‌جویی ایجاد نشود. همین هوس و میل‌هاست که در مردان تک‌همسر گرایش به ازدواج مجدد را پدید می‌آورد. چنین مردانی با دلدادگی و مجذوب شدن به جاذبه‌های آشکار زنان، اندک‌اندک به ازدواج با آن‌ها تمایل نشان می‌دهند که این امر با کاهش محبوبیت همسر قبلی ملازم و همراه است و چه بسا محبت او را به طور کامل از دل خارج کرده و تنها به همسر جدید خود می‌اندیشند و دل می‌بندند. بدیهی است که چنین شرایطی، کاهش محبوبیت، فشارهای روحی و اختلال‌های روانی و جسمی را برای زن اول و فرزندان او ایجاد می‌کند (دعوتی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۸۳).

۳.۴. تضعیف غیرت ناموسی و اعتقادی

از پیامدهای شوم بی‌حجابی به وجود آمدن عقده و کینه‌ای شدید در افراد بی‌دین نسبت به احکام و اعتقادات مذهبی است که حجاب را برای زنان لازم و واجب دانسته است. هدف اصلی استکبار جهانی نیز ایجاد تضادها و تنش اجتماعی به واسطه ایجاد چنین افکاری است که نسل جدید را از نسل پیشین جدا می‌کند؛ چرا که نسل پیشین این عده را منحرف - بی‌دین و لامذهب - تلقی می‌کنند و نسل جدید، بزرگان خود را «عقب افتاده»، «مرتجع» و «خرافات‌ی» می‌پندارند (پارسا، ۱۳۷۷، ص ۸۴-۸۱).

غیرت از فضیلت‌های اخلاقی است و انسان‌غیور همواره حافظ و نگاهبان ناموس خداوند - دین و آیین او - در برابر عوامل انحراف‌زا است. نتیجه غیرتمندی افراد در جامعه، تأمین و استمرار شرف انسانی، امنیت اجتماعی و تربیت نسل پاک است. در جامعه‌ای که زنان از عفاف و پوشش کامل و صحیح برخوردار نیستند، عفت عمومی در معرض خطر قرار می‌گیرد

و نتیجه‌ی این امر کاهش یا نابودی غیرت است. بیماری بی حجابی و بدحجابی با بیماری فقدان یا ضعف غیرت، رابطه و تأثیر متقابل دارد؛ یعنی از یک طرف دوری زنان از لباس حیا به غیرت مردان به ویژه نسل نوحاسته ضربه می‌زند و از طرف دیگر یکی از علت‌ها و ریشه‌های عمده این بیماری خطرناک و فاجعه‌آفرین، نبود یا ضعف غیرت در پدران یا شوهران است. مردان باید بدانند که در گناهایی که دختران یا همسران بی‌عفت خود مرتکب می‌شوند و در جرم‌ها و فاجعه‌هایی که از طریق آن‌ها در سطح جامعه گسترش پیدا می‌کنند، شریک و در پیشگاه خداوند مسئول خواهند بود. آنان باید بدانند که بزرگ‌ترین دشمنی را در حق خود و خانواده خویش در لباس دوستی می‌کنند و وظیفه قرآنی خود را در برابر آنان انجام نمی‌دهند (همان، ص ۱۹۲)؛ آن‌جا که قرآن کریم توصیه می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده‌تان را از آتشی که هیزمش انسان و سنگ - بت‌ها - است، باز دارید» (تحریم: ۶).

۴.۴. ایجاد اختلال روانی و عصبی

یکی از عوامل گسترش بیماری‌های روحی و اختلال‌های روانی و عصبی، خودنمایی زنان در جامعه است. محیطی که در آن بی‌بند و باری رواج یابد و افراد از راه صحیح نیازهای جنسی خود را تأمین نکنند یا به افعال حرام تن دهند یا مجبور به سرکوب این نیازها شوند، در نهایت به بیماری‌های مختلف روانی و عصبی مبتلا خواهد شد. برخی عوامل انحرافات اجتماعی - روانی، عدم رعایت حجاب و عفاف در سطح جامعه به شرح زیر است:

۱.۴.۴. محرومیت از نیازهای ضروری جسمی و مادی

عواطف انسانی در اثر گرایش به بی‌بند و باری، شهوت و دنیازدگی، تضعیف شده و در نهایت از امور انسانی و الهی همانند کمک به محرومان و نیازمندان جامعه غفلت خواهد کرد. همانا منشأ فقر و محرومیت، بی‌عدالتی و نرسیدن طبقه محروم و کم‌درآمد به حقوق مسلم خود است که این امر محصول عواملی از جمله غفلت طبقه مرفه از مبدأ و معاد و غرق شدن در جاذبه‌های دنیوی و تحریکات جنسی است.

۲.۴.۴. عدم تأمین نیازهای روحی

همان‌گونه که کم‌توجهی به نیازهای جسمی، سلامت بدن و حیات طبیعی انسان را در معرض خطر قرار می‌دهد، بی‌اعتنایی به نیازها و خواسته‌های روحی و قوانین مربوط به روان هم سلامت روح و شخصیت را مختل کرده و حیات معنوی آن را در معرض خطر قرار می‌دهد. ترغیب افراد به سمت شهوت‌ها و تمایلات غیرمعقول نفسانی از طریق تحریکات جنسی زنان و امثال آن، موجب بی‌اعتنایی و یا کم‌توجهی به نیازهای باطنی و روحی می‌شود؛ به همین دلیل، امروز، بیماری خودفراموشی و از خود بیگانگی از بیماری‌های شایع روحی است که افرادی از بشر دچار آن هستند و برخی اختلال‌ها و بیماری‌های روانی و مشکلات جوامع بشری ناشی از آن است.

۳.۴.۴. انحراف از فطرت انسانی و مسیر طبیعی غریزه جنسی

به‌طور کلی هر فعلی که برخلاف ساختار فطرت و طبیعت آدمی باشد، زیان‌برگزی برای گوهر شریف روح و جسم است. انحرافات جنسی نیز که از عمده‌ترین عوامل آن بی‌حجابی و بی‌عفتی است، منشأ اختلال‌ها و بیماری‌های روانی و عوارض نامطلوب جسمی خواهد بود. برهنگی ارزش زن را از بین می‌برد و او را تا حد یک کالا و یک «جنس» پست خواهد نمود. زنی که تن و اندام خود را در معرض دید همگان قرار می‌دهد و آن‌چه را که به جنسیت او مربوط می‌شود به‌کوچه و بازار می‌کشاند، در حقیقت می‌خواهد با تکیه بر «زنانگی» خویش، جایی برای خود در جامعه باز کند و در این راه شخصیت انسانی و جایگاه‌الاهی خود به‌عنوان یک زن و مادر را قربانی می‌کند (حداد عادل، ۱۳۵۹، ص ۵۹).

۴.۴.۴. شهوت‌طلبی افراطی و غیرقابل کنترل

غریزه‌ی جنسی از نظر حرارت جسمی، ظرفیت محدودی دارد. به همین دلیل غریزه‌ی جنسی با یک همسر ارضا می‌شود، اما از نظر روحی ممکن است به صورت عطش نفسانی درآید و گنجایش نامحدود و ارضانشدنی پیدا کند. این حالت بیشتر به خاطر کنارزدن حریم ارزشی حجاب و معاشرت‌های آزاد و سهولت اطفاء و ارضای شهوت از راه نامشروع به وجود می‌آید. از آن‌جا که آرزوها و خواسته‌های نفسانی نامحدود در دنیای محدود محقق نمی‌شود، از این رو

در اثر احساس محرومیت تعادل روحی و روانی خویش را از دست داده و گرفتار انواع بیماری ها و اختلال های روانی خواهد شد! نتیجه این که تن دادن به حکم عقل و وحی درباره لزوم و ضرورت پوشش کامل اسلامی و رعایت عفاف و شئون انسانی برای حفظ آرامش و بهداشت روانی و عصبی دارای اهمیت و برکات فراوانی است و بی اعتنائی به آنها منجر به آسیب های روحی و روانی و عصبی افراد جامعه می شود و گریبان زنان خودنما و بدحجاب و همسران و فرزندان امروز و فردای آنها را نیز خواهد گرفت (خراسانی، ۱۳۴۹ق، ص ۲۱۸).

۵.۴.۴. سلب امنیت زنان

احساس امنیت و آرامش روحی، جسمی و جنسی برای زنان، با توجه به ویژگی های خاص آفرینش آنان چه از بُعد جاذبه های جسمی و رفتاری و چه از بُعد ضعف جسمانی در مقایسه با مردان از اهمیت بسیاری برخوردار است. حجاب و عفاف، دژ محکم امنیتی برای زنان در مقابل تهدیدها و خطرات محیط پیرامون آنهاست. رعایت حجاب کامل و عدم اختلاط با مردان، ضامن کنترل غریزه ها و میل های حرام، حافظ بهداشت و سلامت روانی و جسمانی افراد جامعه و تأمین امنیت اجتماعی زنان است. در جامعه ای که زنان با زیر پا گذاشتن حکم فطرت و شریعت، خود را در معرض تماشای نامحرمان قرار می دهند و زینت ها و اندام های تحریک کننده ی خود را به دیگران نمایش می دهند، مردان به ویژه جوانان با مشاهده چنین صحنه هایی دچار فشار روانی و هیجان های شدید جنسی و طغیان شهوت شده و تسلیم تند باد هوس می شوند و در این حال، گاه جرأت تجاوز به حریم زنان و دختران را پیدا می کنند. آن چه امنیت اجتماعی زنان و جامعه را تأمین می کند، انسانیت و معنویت حاکم بر جامعه است که اساس آن دین اسلام است؛ جامعه ای که یاد خدا و هدف والای زندگی در دل و جان افرادش حکومت می کند و روابط آن ها بر پایه توحید و خدامحوری است در امنیت کامل خواهد بود. از آثار مخرب بی حجابی و بی عفتی، از بین رفتن شخصیت زن و ایجاد ناامنی برای او در جامعه است و از شواهد بارز آن، عدم امنیت زن در جوامع غربی است. تجاوز به زنان و آزارهای جنسی در کشورهای غربی به قدری بالاست که زنان مجبور به حمل سلاح با خود هستند. وقتی حجاب و پوشش مناسب نباشد، قدرت تخیل جنسی در مردان زیاد

شده و تحریک جنسی در آنان، به وجود می‌آید، همین امر مقدمه‌ای برای از بین رفتن امنیت و احترام و ارزش زن خواهد شد (شجاعی، ۱۳۷۸، ص ۴۴-۳۸).

از دیگر آثار مخرب عدم رعایت عفت عمومی در جامعه، سستی بنیان خانواده و سلب امنیت و آرامش از اعضای خانواده است. بالا رفتن آمار طلاق و پایین آمدن سطح ازدواج در کشورهای غربی گواه این مدعا است. مرکز آمار بهداشتی آمریکا در یکی از آمارهای خود اعلام کرد که از هر ۱۰۰۰ زن متاهل آمریکایی تنها ۹۱ نفر پیوند زناشویی با همسران خود را حفظ می‌کنند. شبکه سی ان ان آمریکا به استناد آخرین تحقیقات وزارت شهری آمریکا اعلام کرد، در هر ۱۲ دقیقه یک نفر در آمریکا به ویروس مهلک ایدز مبتلا می‌شود که این بیماری به طور عمده از طریق بی بند و باری جنسی منتقل می‌شود (همان).

۴.۴.۶. شیوع انحراف جنسی

انسان‌ها - اعم از مرد و زن - در برابر غریزه‌ی جنسی به سه گروه تقسیم می‌شوند:

- ۱- کنترل و تعدیل غرایز جنسی در سایه تقوای الهی و اشباع آن از راه ازدواج؛
- ۲- تفریط و بی‌توجهی به این میل نفسانی؛
- ۳- افراط و انحراف در غرایز جنسی.

انسان‌های باتقوا و مؤمن که جز به معشوق و دلربای حقیقی دل نبسته و عظمت وجودی خویش و تمام نعمت‌های خود را از لطف او می‌دانند و از حساب و کتاب آخرت هراس دارند، به هنگام رو به رو شدن با عوامل مهیج و هوس‌انگیز با الگوگیری و پیروی از حضرت یوسف علیه السلام در سایه محکم‌ترین و مطمئن‌ترین دژها یعنی پناه بردن به خداوند و یاد او خویشتن‌داری و صبر پیشه می‌کنند. کسانی که راه دوم را برگزیده و غریزه خود را سرکوب می‌کنند، کارشان به حکم عقل و شرع ناپسند و مذموم است و با هدف آفرینش غریزه جنسی که تولید نسل است، مغایرت دارد. اما دسته سوم - که موضوع بحث ماست - کسانی‌اند که از دین و ایمان تهی بوده و یا ایمان ضعیفی دارند؛ این افراد هنگام مواجه شدن با عوامل هیجان‌انگیز و تحریک‌کننده، پا از دایره‌ی تقوا و عفاف بیرون می‌نهند و به انحراف جنسی می‌آیند (حسینیان، ۱۳۷۳ش، ص ۵۸).

۵. راه‌های مبارزه با بدحجابی و بی‌حجابی

رواج بی‌حجابی و بی‌عفتی در جامعه، زمینه‌ساز گسترش فساد در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. جامعه‌ای که به این بیماری دچار شود، بنیانش فرو می‌ریزد و به جای پیشرفت و ترقی در عرصه دنیا، گرفتار فقر و فحشا می‌شود. بر همگان واجب است که در حفظ و اعتلای فرهنگ حجاب بکوشند و جامعه را به سمت آگاهی از آثار و فواید آن راهنمایی کنند. گسترش فرهنگ حجاب در جامعه با فعالیت‌های فرهنگی به ثمر می‌نشیند که در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از آن بسنده شده است:

۱.۵. اعتلای فرهنگ حجاب در جامعه

زنی که از مقام و ارزش‌های واقعی خود آگاه شود، فلسفه حجاب و آثار و فواید آن را از دیدگاه اسلامی بداند و در انتخاب حجاب، ریشه‌ای برخوردار کند نه موروثی، دیگر حجاب را یک حصار و زندان برای خود تلقی نمی‌کند؛ بلکه آن را وقار و متانت برای خویش می‌یابد. وقتی آگاهی افراد جامعه نسبت به ضرورت حجاب بالا رفت، دیگر نیازی نیست که نیروی تهدیدآمیزی از بیرون، زنان را مجبور به رعایت حجاب کند. چنین زنی حتی اگر در بدترین شرایط و فاسدترین مکان‌ها قرار گیرد، با شهامت و آگاهی و بدون توجه به عقاید دیگران، حجاب و عفت خویش را حفظ خواهد کرد. اصل این است که مقام واقعی زن به وی شناسانده شود تا بفهمد که ارزش یک زن در بدن مادی و زیبایی‌های ظاهری او خلاصه نشده و مقام او بالاتر و والاتر از آن است که بخواهد با خودنمایی خود را به یک موجود بی‌ارزش و خوار تبدیل کند. برای زایل کردن تفکرات نادرست و خام در زنان جامعه باید اندیشه‌ای برتر جایگزین آن‌ها سازیم و این امر جز با اعتلای فرهنگی جامعه میسر نخواهد شد.

یکی از مؤثرترین روش‌ها برای رشد زن از مرحله نفس و آزادی از این قید پنهان، پوشیدگی و مستوری است. دختران جوان با مستور نگاه داشتن خویش در خارج از محدوده‌ی خانواده می‌آموزند که از جداییت فقط در محدوده‌ی خانواده استفاده کنند و این نهاد مقدس را تحکیم بخشند (روحانی، ۱۳۶۹، ص ۵۱).

۲.۵. تقویت ایمان و اعتقاد

در زن باید باوری استوار و ایمانی عمیق ایجاد شود. زنی که اندیشه و قلبش خدا باشد و به معاد و جزا معتقد باشد، حاضر به خودآرایی و خودنمایی نخواهد بود و خود را در معرض نگاه‌های آلوده قرار نخواهد داد و زمینه‌های تلذذ دیگران و فسادآفرینی را به وجود نخواهد آورد. چنین زنی می‌داند که مخالفت با امر خداوند عاقبتی جز آتش دوزخ به دنبال نخواهد داشت.

۳.۵. احیای فرهنگ اصیل اسلامی

احیای ارزش‌های اصیل اسلامی و فراخوانی زن مسلمان به تعقل، تعبد و تعهد نسبت به این ارزش‌ها، نقش مهمی در گسترش و اعتلای فرهنگ حجاب در جامعه خواهد داشت. زن مؤمن باید به آن چه اسلام به عنوان ارزش بدان می‌نگرد، آگاهی و باور داشته باشد و بداند که شخصیت و عظمت او در گرو روح بلند، اندیشه‌ی والا، قلب پاک و جان پیراسته از آلودگی است نه خودنمایی و تَبَرِّج (حجرات: ۱۳).

۴.۵. شناساندن الگوهای والا

نقش الگوها در ساختار روحی و رفتاری افراد، دارای اهمیت است. جای تأسف است که امروز برخی زنان و دختران مسلمان با الگوهایی چون حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، دخت نبی اکرم و اسوه نجابت و عفاف و همچنین دختر گرامی‌شان حضرت زینب کبری علیها السلام، اسطوره کربلا و پیام‌آور عاشورا، آشنایی ندارند. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، حضرت زینب علیها السلام و دیگر چهره‌های والای تاریخ اسلام باید به زنان مؤمن شناسانده شود تا بنگرند چه سان با حفظ هویت، شخصیت، وقار و متانت می‌توانند در جامعه حضور پیدا کرده و ایفای نقش کنند. زن اگر عشق اهل‌البیت علیهم‌السلام را فراگرفت و آنان را رهبر شناخت و الگو پذیرفت، رویین تن می‌شود و حضورش در جامعه دلهره‌آفرین نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

با رعایت حجاب و عفاف از طرف مردان و زنان به ویژه بانوان، جامعه از بسیاری خطرات حفظ خواهد شد. فلسفه حجاب شامل آرامش روانی، استحکام پیوند زندگی، استواری اجتماع و حفظ ارزش و جایگاه زن در جامعه است. امروز شاهد این امر هستیم که پدیده‌ی بدحجابی به یک ارزش کاذب در برخی جوامع تبدیل شده است. علل پذیرش این امر از سوی زنان و مردان در اجتماع، جهل و ناآگاهی، دشمنی سیاسی، احساس حقارت در شخصیت و دوستی با افراد ناباب است و پیامدهای آن تهدید جایگاه خانواده، گرایش مردان به چندهمسری، تضعیف غیرت ناموسی و مذهبی و ایجاد عمیق‌ترین اختلالات روحی و روانی بین افراد جامعه است. بنابراین افراد برای رسیدن به جامعه‌ای مطلوب، باید فرهنگ حجاب را بر اساس آموزه‌های اسلامی گسترش دهند و در این امر دولت، مردم و رسانه‌های گروهی می‌توانند نقشی مؤثر ایفا کنند. با اعتلای فرهنگ حجاب در جامعه، تقویت ایمان و اعتقاد، احیای فرهنگ اصیل اسلام، معرفی الگوهای برتر زنان به نسل کنونی و اهتمام جدی به احکام عملی و اخلاقی دین نورانی اسلام، به خصوص جنبه‌های تربیتی ارزشمندی که در سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام است، می‌توان شاهد جامعه‌ای پویا، فعال و برخوردار از آرامش روحی و روانی بود.

فهرست منابع

۱. اصفهانی حائری، غلامحسین. فلسفه الحجاب فی وجوب النقاب، نجف: مطبعه العلوویه، ۱۳۴۶ق.
۲. افتخاری، محمدباقر. دردهای اجتماع بدحجابی و بی حجابی، تهران: انتشارات افتخاری، بی تا.
۳. آذری قمی، احمد. سیمای زن در نظام اسلامی، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۷۲.
۴. جعفریان، رسول. رسائل حجابیه، قم: چاپ سوم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۰.
۵. جمعی از نویسندگان. حکایت کشف حجاب، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۰.
۶. حداد عادل، غلامعلی. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۵۹.
۷. حسینیان، روح الله. حریم عفاف، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ش.
۸. خراسانی، ابوالفضل. حکمه الحجاب و ادله النقاب، تهران: مطبعه علمی، ۱۳۴۹ق.
۹. خندق آبادی، جعفر. ادیان و حجاب، تهران: نشر جامعه صفویه، بی تا.
۱۰. دعوتی، میر ابوالفتح. سلام بر حجاب، قم: نشر ایام، ۱۳۷۷ش.
۱۱. رزاقی، احمد. عوامل فساد و بدحجابی و شیوه های مقابله با آن، چاپ سوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ش.
۱۲. روحانی، شهریار. آیا حجاب ضرورت دارد (بررسی مسئله پاشیدگی از دیدگاه روانشناسی)، تهران: نشر شرکت اشراقیه «مهدویه»، ۱۳۶۹.
۱۳. شجاعی، محمد. در و صدف، چاپ سوم، تهران: نشر محیی، ۱۳۷۸.
۱۴. شریف موسوی، مصطفی. درس حجاب از قرآن و حضرت زهرا علیها السلام، مشهد: انتشارات بنیان، ۱۴۱۹ق.
۱۵. شیرازی، سید صادق. مفاصد بی حجابی، ترجمه علی کاظمی، قم: انتشارات امام صادق علیه السلام، ۱۳۵۸ش.
۱۶. ضیاء آبادی، سید محمد. قساوت بیماری مهلک بشر، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰.
۱۷. طیبه، پارسا. پوشش زن در گستره ی تاریخ، قم: انتشارات احسن الحدیث، ۱۳۷۷.
۱۸. محدث نوری، محمدتقی. مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ق.
۱۹. محمدی آشنایی، علی. پوشش و حجاب، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹.
۲۰. مطهری، مرتضی. مسأله حجاب، مجموعه آثار، چاپ دوم، تهران: صدرا، ۱۳۷۹.
۲۱. مهریزی، مهدی. حجاب، چاپ ششم، تهران: انتشارات کانون اندیشه ی جوان، ۱۳۸۷.
۲۲. میرغفوری، سید مجتبی. روانشناسی و فرهنگ پوشش (آرامش، آرایش، محبت با پوشش)، تهران: نشر جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۲۳. هدایت خواه، ستار. زیور عفاف، چاپ دوم، مشهد: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب، ۱۳۸۸.